

دکتر هراند قوکاسیان

نظر اجمالی به متجاوز از بیست قرن ادبیات ارمنی

ادبیات مکتوب ارمنه تقریباً از قرن پنجم بعد از میلاد شروع میشود و بهمین لحاظ از نظر قدمت تاریخی بسیار قابل توجه است .

اطلاعات و آگاهی ما از ادبیات ارمنی تا قبل از اختراع الفباء ارمنی منحصر به نوشته هائی است که توسط مورخین نامی ارمنی همچون « مؤسس خوره ناتنی » و « پاستوس بیوزاند » و « غازار پارتی » و « یقیشه پادماگیر » و « آگا تانگقوس » به یادگار مانده است .

اما چون از این میراث اثری قابل توجه به ما نرسیده ، نمیتوان کاملاً مبدائی برای آن در نظر گرفت : فقط آنچه مسلم است اینکه ، این ملت بیش از ۲۰ قرن سابقه ادبی مکتوب و غیر مکتوب انکار ناپذیر دارد . زیرا شواهدی که از سنگ نبشته ها ، کتیبه های کهن ، فرامین سلاطین قدیم ، اسناد موقوفات ، افسانه و ترجمه های چه در زمینه علم و چه در زمینه مذهب و ادبیات در دست است ، گواه بر این مدعاست . و از جمله این شواهد اینکه ، در زمان سلطنت تیکران دوم در ارمنستان (قرن اول میلادی) در شهرهای « آرتاشاد » و « تیکراناکت » تماشاخانه هائی وجود داشته که در آنها علاوه بر نمایشنامه های یونانی نمایشنامه هائی نیز بزبان ارمنی به شیوه ترانه خوانان دوره گرد اجراء میشده است .

زبان ارمنی در این دوره ، زبان کلاسیک (گرابار) بود که همچون زبان پهلوی برای ایرانیان و زبان لاتین برای اروپائیان و زبان یونان قدیم برای یونانیان ، امروز از نظر اکثر ملت ارمنی زبانی ناآشناست .

لیکن برای ادبیات ارمنی، دین مسیح را می‌توان نقطه عطفی دانست. باید گفت ارمنه نخستین ملتی بودند که دین مسیح را به رسمیت پذیرفتند. وگویا این دین بنا به روایات مختلف در سالهای ۳۰۳ پس از میلاد، یا ۲۸۸، ۲۷۹ و ۲۲۰ پس از میلاد بعد از ورود حضرت گریگور به ارمنستان، بعنوان مذهب رسمی این ملت اعلام شده است.

پس از پذیرش این دین از طرف ارمنه بود که بعثت اشتغال مستقیم مردم به مذهب، ادبیات عامیانه ارمنی که تا آن زمان سخت رواج داشت، به رکودی سخت گرفتار شد و حتی مدتی فراموش گشت. تا سرانجام در اوائل قرن پنجم پس از میلاد (۴۰۴) الفباء زبان ارمنی به همت « مسروپ ماشتوس » و با تشویق « سهاکت - پارتیو » اختراع شد و این اختراع بود که ادبیات جدید ارمنی را پایه‌گذاری کرد، و چنان در مدتی قلیل، به رشد و نضج خود ادامه داد، که بعدها این قرن را بعنوان « عصر طلایی » ارمنستان نامیدند. و بعد از آن مرتب آثار مختلف تاریخی، مذهبی ادبی، فلسفی و ترجمه‌های گوناگون بطبع رسید، و بدین ترتیب ادبیات مکتوب ارمنی بوجود آمد:

بحث در باره ادبیات و شعر این دوره در حوصله این صفحات نیست و در اینجا تنها به اشاره‌ای پیرامون شاعران ایندوره اکتفا می‌نم.

از گریگور فاره‌گاستی (با مجموعه شعرى بنام « نارەك » که از لحاظ کیفیت میستیک خاصی که در شعرهایش وجود دارد، در ادبیات ارمنی منحصر بفرد بوده و اهمیت جهانی دارد) که بگذریم، باید از « داواک گرتوق »، « گریگور ماگیستروس » « هوانس سارگاواک »، « آختامارتسی »، هوانس ایماستاسر « نام برد. شاعرانی که هر يك بنوبه خود در شعر آینه ارمنی، سهمی قابل توجه داشتند.

و پس از اینان زمان « سیات نووا » است : شاعری که در قرن هیجدهم میزیست و به زبان گرجی ، آذربایجانی و ارمنی شعر میسرود . او حتی امروز هم یکی از برجسته ترین شاعران و نغمه سرایان ارمنی بشمار میرود . و از اولین کسانی است که ترانه های عامیانه و ملی را بنحوی بسیار جالب همراه با زبان شعری خاص خود ، بنظم درآورده است . این ترانه ها هنوز هم خوانندگان بیشمار دارد و به همین لحاظ به اغلب زبانها ترجمه شده است .

بیشتر شاعران نامبرده در فوق ، به زبان « گرابار » شعر میسرودند . زبانی که تا اواسط قرن نوزدهم ، زبان ادبی ، مذهبی ارامنه بشمار میرفت . تا سال ۱۸۴۱ که نویسنده نامدار ارمنی « خاچاطور آبودیان . Khat datour Hbovian » پایه گذار زبان و ادبیات ارمنی پای برعه ادب گذارد (۱) .

آبودیان تا سال ۱۸۳۰ آثار خود را به زبان « گرابار » می نوشت . اما ناگهان زندگی دانشجویی در دانشگاه « درپاپ » آلمان ، روح و اندیشه او را دگرگون کرد . و بطور کلی ذهن او را متوجه دنیای دیگری نمود . وی اولین نویسنده ارمنی بود که دریافت ادبیات تنها منحصر به افراد انگشت شمار نیست . بلکه باید به تمام افراد يك ملت تعلق داشته باشد . همین انقلاب روحی و دگرگونی اندیشه او بود که ذهن و روح وی را در مطالعه زندگی توده مردم برانگیخت تا آنجا که از آن بیعد ، یکباره زبان « گرابار » را با تمام زیباییهایش کنارگذارد و به زبان مردم نوشت .

۱- ابودیان آثار متعددی اعم از منظوم و منثور دارد که میتوان مهمترین آنها را کتاب « رنج های ارمستان » به حساب آورد ، این کتاب بازگوکننده رنجها و ظلم و ستم هائی است که به ارامنه وارد آمده است . و در این خصوص بهترین و جامعترین سندی است که پیادگار مانده است .

و همراه با « میکائیل نالبندیان » رافائیل پادگانیان ، « سمبات شاه عزیز » « مگردیچ بشیکتاشلیان » و « پطروس دوریان » که هر کدام از آنان بنوبه خود سهمی بسزا در تصفیه زبان ارمنی داشتند ، از پیشقدمان اصلاح زبان ارمنی محسوب شد . و با طرد کلمات ثقیل و آوردن کلمات و واژه‌های مرسوم مردم و ابداع سبکی تازه و نوین بزبان وادیات ارمنی روشنی دیگری بخشید و این کار را تا بدان حد با موفقیت آغاز کرد ، که از آن بیعد ، تمام شاعران و نویسندگان ارمنی زبان ، آثار خود را به همین زبان نوشتند . زبانی که کم‌کم بصورت زبان فصیح ارمنی امروز درآمده است .

پیام

ای باد چو بگذری بگلزار	این نکته ز من بگو بدلدار
در یاد هنوز داری آیا	روزی که گرفت جای گل‌خار
من بودم و تو بطرف گلشن	تو نبود دیار
گفتی که خزان رسید آوچ	پس چکنم بحجره تار
گفتم که خزان عشق ما نیز	روزی بجهان شود پدیدار
امروز که موقع جدائی است	زان گفته دلخراش یاد آر
کاندر پس خرمی غمی هست	و ندر پس سوز ماتمی هست

(سعید نفیسی)